



۲۰۱۹/۱۱/۱۹



دوکتور محمد ظاهر عزیز

## تجلیل از سی سالگی کنوانسیون حقوق طفل



### نامگذاری روز جهانی طفل:

در سال ۱۹۴۶ بعد از جنگ جهانی دوم در اروپا، مجمع عمومی سازمان ملل متحد به منظور حمایت از اطفال، سازمانی به نام یونیسف را ایجاد کرد که نخست «صندوق بین‌المللی اطفال سازمان ملل» نام گرفت. در سال ۱۹۵۳م، یونیسف یکی از بخش‌های دائمی در سازمان ملل متحد گردید و روز ۸ اکتوبر روز جهانی اطفال نام گذاری شد.

### کنوانسیون حقوق طفل:

انسان برای زندگی اجتماعی خویش، نیازمند امنیت جسمی، روحی، اقتصادی و ... است. اطفال نیز که پایه و اساس رشد جسمی، عقلی و اجتماعی آنان، از همان سالهای نخست زندگی، آغاز می‌شود، باتوجه به وضعیت خاص آنان به لحاظ جسمی و روحی، نیاز به انواع حمایت و مراقبت‌های خاصی دارند. این اقدامات باید مفهوم و قالب متناسبی یافته و با توجه به ناتوانی اطفال برای به دست آوردن حقوق شان، جنبه‌های حمایتی وسیعی یابد، به طوری که بزرگسالان، الزام ناشی از حمایت آنان را کاملاً احساس کنند.

اطفال، برکت زندگی و سرمایه‌های جامعه به شمار می‌آیند. آنان برای رشد جسمی، معنوی و عقلی خود، نیازها و در مفهوم دقیق‌تر حقوقی دارند که باید به درستی به آن پرداخت. با توجه به نقش بی‌بدیل خانواده در تقویت شخصیت طفل، پیش از همه، خانواده و سپس جامعه باید حقوق اطفال را به خوبی بشناسند و خود را مکلف به قبول و اجرای آن بدانند. روز جهانی طفل نیز

بهبانۀ ای برای ورود به جهان اطفال است. برای ورود به این جهان باید کلان سالان و جامعه ای که اطفال در آن زندگی می کنند، گاهی آگاهی های خود را فراموش کنند و با نا آگاهی های اطفال خود را آشنا سازند.

حقوق طفل، بخشی از موضوعات حقوق بشر است که نیاز به حمایت جدی از سوی هر جامعه و جامعه بین المللی دارد. با توجه به ضرورت حقوق طفل در سطح جامعه، کنوانسیون حقوق طفل که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد، با عنوان «کنوانسیون حقوق طفل» در سال ۱۹۸۹ میلادی به تصویب رسیده است، گامی نهایت مؤثری در جهت حفظ حقوق اطفال محسوب می شود.

کنوانسیون حقوق طفل یک کنوانسیون بین المللی است که حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اطفال را بیان می کند. دولت هایی که این معاهده را امضا کرده اند، موظف به اجرای آن هستند و شکایت هایی راجع به آن به کمیته حقوق طفل ملل متحد تسلیم می شود.

این کنوانسیون در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹م مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت و از ۲ سپتامبر ۱۹۹۰م (سی روز پس از تودیع بیستمین سند تصویب یا الحاق) لازم الاجرا شده است. کنوانسیون حقوق طفل در اکثر کشور های عضو ملل متحد اجرا می شود و به این ترتیب مقبول ترین سند حقوق بشر در تاریخ می باشد.

## محتوای خیلی مهم کنوانسیون حقوق طفل:

طفل، بر اساس ماده یک کنوانسیون حقوق طفل به هر انسان کمتر از ۱۸ سال گفته می شود. مگر آن که قانون قابل اعمال در مورد طفل سن قانونی کمتری را تعیین کرده باشد. این کنوانسیون شامل ۵۴ ماده و دارای دو پروتکل اختیاری نیز بوده که چهار چوب و یا اصول بنیادی آنرا جهت می دهد:

- هیچ طفلی نباید از تبعیض رنج ببرد.
- زمانی که در رابطه با اطفال تصمیم گیری می شود، باید منافع عالیۀ آنان در راس قرار گیرد.
- اطفال حق حیات داشته و باید رشد کنند.
- اطفال حق دارند آزادانه عقاید و نظرات خود را ابراز کنند و این نظرات در تمامی اموری که به آنها مربوط می شود، باید مورد توجه قرار گیرد.

باید بپذیریم که یکی از اساسی ترین عوامل ایجاد شخصیت در طفل، حسن معاشرت و رفتار نیکو با اوست.

توجه به حقوق طفل، فقط بحث جوامع امروزی نیست، بلکه در دین مبین اسلام هم نسبت به حقوق طفل توجه شده است (احترام و تکریم طفل، پرهیز از خشونت و بد رفتاری با اطفال، رعایت عدالت و پرهیز از تبعیض . .)

بر اساس اطلاعات منتشره، وضعیت اطفال در جوامع فعلی، نگران کننده است. بر اساس آمار سالهای اخیر یونسف هر روز، بیش از چهل هزار طفل کمتر از پنج سال، به علت سوء تغذیه و بیماریهای قابل پیشگیری، جان خود را از دست می دهند، نزدیک به یکصد و پنجا میلیون کودک از برنامه های تعلیمات ابتدایی محرومند. نیمی از نفوس اطفال در کشورهای فقیر و در حال توسعه، به آب آشامیدنی دسترسی ندارند، سالانه بیش از نیم میلیون از مادران، در حاملگی و زایمان جان خود را از دست می دهند، بیش از یکصد و پنجا میلیون طفل در جهان، از طریق کارهای خطرناک و اغلب تحت شرایط کشنده، امرار معاش می کنند، صدها میلیون از مردم (که بیشتر آنها اطفال هستند) از خانه و زندگی محرومند و مواردی دیگر. نقض حقوق اطفال در کشورهای فقیر و در حال توسعه مانند افغانستان، بیشتر ناشی از نا امنی، مریضی و فقر است، در حالی که در غرب، مشکل اخلاقی و ضعف بنیادهای خانواده، ناقض حقوق اطفال است.

باید بصورت جدی و خاص تکرار نمایم که تنها در کشور های افغانستان، یمن، سوریه و سومالیه که در جنگ، وحشت، دهشت و فقر درگیر هستند (کشور های اسلامی)، هزار ها طفل هرسال کشته می شوند و یا از فقر، مریضی و عدم غذای مناسب می میرند. در افغانستان، تعداد کشته گان اطفال و مادران شان که بیشتر از جنگ و همچنان در اثر فقر کامل و انواع مرض می میرند، بیشترین کشته شدگان در سالهای اخیر هستند. باید با تقبیح از این نوع اعمال نا شایسته، تذکر دهم که هیچ منبعی به صورت مناسب از چنین اعمال غیر انسانی جلوگیری نمی نمایند.

گزارشهای صندوق اطفال ملل متحد (یونیسف) نشان می دهد که صد ها میلیون طفل در جهان از دسترسی به تعلیم و تربیه محروم هستند و به این صورت، اکثر محرومین تعلیم و تربیه با خطر بیسوادی نیز مواجه می باشند، خصوصاً دختر ها. بر حسب گزارش صندوق جمعیت سازمان ملل متحد، بیشتر اطفال دختر در کشور های در حال توسعه در شرایط خیلی سختی زندگی می نمایند.

هر ده دقیقه، یک طفل دختر در جهان قربانی خشونت می شود. از هر ۷ طفل دختر ۱۵ تا ۱۹ ساله در جهان، مانند افغانستان، با اجبار ازدواج می کنند. در کشور های در حال توسعه از هر سه طفل دختر زیر ۱۸ ساله مجبور به ازدواج می شوند. در این کشور ها از هر ۹ طفل دختر نیز یک نفر قبل از پانزده ساله با جبر ازدواج می کند. یونیسف، همچنان اعلام کرده که در حال حاضر ۷۰۰ میلیون زن در جهان قبل از ۱۸ سالگی مجبور به ازدواج شده اند.

## سابقه تاریخی کنوانسیون حقوق طفل:

مساله حقوق اطفال، مساله جدیدی نیست. شروع آن به دوران بعد از جنگ جهانی اول باز می گردد. پس از پایان جنگ جهانی اول، به سبب پیامدهای جنگ و آسیب هایی که از این راه بر اطفال آمد، در سال ۱۹۲۴ م. «اعلامیه حقوق کودک» در ژنو تنظیم شد که بیشتر، در زمینه تغذیه، امور صحی اطفال و مسکن برای اطفال جنگ زده و آواره و حمایت آنان در برابر آسیب های جسمی و روانی ناشی از جنگ عمومی دوم بود. تاسیس صندوق بین المللی اطفال (یونیسف) در سال ۱۹۴۶ م، گام مهمی برای پرداختن به مسائل حقوقی اطفال جهان بود. یونیسف بر اساس قطعنامه مجمع عمومی ملل متحد، بعد از جنگ جهانی دوم برای رهایی چهارده کشور اروپایی از بند فقر، گرسنگی، بیماری، بی سرپرستی و آوارگی، پایه گذاری گردید. همچنین، اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ م نیز منبع دیگری برای کنوانسیون حقوق طفل بود زیرا این اعلامیه، تمام انسانها را بدون توجه به خصوصیت های نژادی و یا جنسی، شامل می شود که طبعاً اطفال را نیز در بر می گیرد.

در سال ۱۹۵۹ م، اعلامیه حقوق طفل به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید که در واقع، اساس و بنیان کنوانسیون حقوق طفل را پی ریزی کرد و همچنین قرارداد بین المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی ۱۹۶۵ م، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ م و کنوانسیون حد اقل سن اشتغال یعنی به کار گماشتن اطفال، ۱۹۷۳ م، مباحثی در ارتباط با حقوق اطفال بیان شده است.

همچنین دو پروتکل اختیاری بر کنوانسیون حقوق طفل در سال ۲۰۰۰ م تصویب شده است: یکی، پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق اطفال، در مورد شرکت اطفال در جنگ و دیگری، پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق طفل، در مورد فروش، استفاده جنسی و پورنوگرافی اطفال.

کنوانسیون حقوق طفل در سال ۱۹۸۹ م، به اتفاق آرا تصویب شد، که متشکل است از یک مقدمه و ۵۴ ماده. ۴۱ ماده آن مربوط به حقوق طفل می شود و ۱۳ ماده آن مربوط به نحوه اجرای آن در هر کشور.

هدف اساسی این کنوانسیون، ایجاد زندگی بهتر برای اطفال و تلاش در راه رشد هماهنگ و متعادل آنان در زمینه های اساسی رشد جسمی، ذهنی، عاطفی، روانی و رشد اجتماعی است و برای دستیابی به این هدف، چهار محور اساسی رشد، بقا، حمایت و مشارکت را مورد توجه قرار داده است.

برحسب گزارش صندوق جمعیت سازمان ملل متحد، اطفال دختر در کشورهای در حال توسعه هنوز در شرایط خیلی سختی زندگی می نمایند.

هر ده دقیقه، یک طفل دختر در جهان قربانی خشونت می شود. به همین دلیل از سال ۲۰۱۲م تا کنون به ابتکار ترکیه، ۱۱ اکتوبر به عنوان (روز جهانی اطفال دختر) تجلیل گردیده، گرامی داشته می شود.

گزارشهای صندوق اطفال ملل متحد (یونیسف) نشان می دهد که بیش از ۶۲ میلیون طفل از یک میلیارد و یک صد میلیون طفل دختر در جهان از دسترسی به تعلیم و تربیه محروم هستند و به اینصورت، اکثر محرومین تعلیم و تربیه با خطر بیسوادی نیز مواجه میباشند.

از هر ۷ طفل دختر ۱۵ تا ۱۹ ساله در جهان با اجبار ازدواج می کنند. در کشور های فقیر مانند افغانستان، از هر سه طفل دختر زیر ۱۸ ساله مجبور به ازدواج می شوند. در این کشور ها از هر ۹ طفل دختر نیز یک نفر قبل از پانزده ساله با جبر ازدواج می کند. یونیسف همچنان اعلام کرده که در حال حاضر ۷۰۰ میلیون زن در جهان قبل از ۱۸ سالگی مجبور به ازدواج شده اند.

## حالات زار اطفال در کشور ما، افغانستان:

افغانستان کنوانسیون حقوق طفل را در ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۰م امضاء کرد و به تاریخ ۲۸ مارچ ۱۹۹۸م، آنرا به تصویب رساند.

علاوه، افغانستان به پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق طفل در مورد عدم شمولیت اطفال در منازعات مسلحانه که به تاریخ ۲۵ می سال ۲۰۰۰م از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسیده بود، الحاق گردیده و آنرا به تاریخ ۲۵ سپتامبر ۲۰۰۳م تصویب نمود. افغانستان، به پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق طفل در مورد قاچاق، استفاده جنسی و عکس برداری برهنه از اطفال، نیز ملحق گردیده و آنرا به تاریخ ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۲م تصویب نموده است.

با آنکه افغانستان همه میثاقهای وابسته به حقوق طفل، با پروتکل های اختیاری مربوط به آن را امضا و تصویب نموده است، کشور ما هنوز یکی از بدترین کشورهای جهان برای اطفال دختر و پسر محسوب می گردد. به احتمال زیاد تمامی انواع خشونت ها که در دیگر کشور های عقب مانده در آسیا، افریقا، امریکای لاتین و کشور های عربی بر اطفال با جبر تحمیل می گردند، نصیب اطفال افغان خاصاً نصیب دختران در افغانستان است و تا حال هیچ نوع کوششی بنیادی برای بهبود حالت اطفال در کشور ما صورت نگرفته است. من این بی پروایی حکومت افغانستان را با قوت کلام تقبیح مینمایم.

مدت دو سال شد که طرح قانون حمایت از حقوق طفل جهت تصویب به ولسی جرگه معرفی شده، اما هنوز به تصویب نرسیده است. بر حسب معلومات در این زمینه "در این قانون حقوق اساسی طفل، بازتوانی اطفال دارای معلولیت، مواظبت‌های اجتماعی، تعلیم و تربیه، رشد فرهنگی، مراقبت از طفل کارگر، حمایت طفل در برابر بهره‌کشی‌های اقتصادی، تخلفات طفل، خرید و فروش و قاچاق طفل، حمایت از طفل در برابر فحشا و استفاده‌های جنسی از آنان مورد بحث و دقت قرار گرفته است." اما، بنابر دلایل نادرست، از آن جمله عدم پذیرش سن طفل کمتر از هجده سال و استفاده‌های نامعقول اجتماعی، اقتصادی و جنسی از اطفال دختر مانند ازدواج‌های قبل از سن هجده ساله، ازدواج‌های بیش از یک زن، اسبابی اند که این قانون از طرف ولسی جرگه تصویب نگردد.

در افغانستان بیشتر از چهار میلیون طفل که واجد شرایط رفتن به مکتب را دارند، به تعلیم و تربیه دسترسی ندارند. اطفال در افغانستان کار شاقه می‌نمایند و تعداد کثیر شان به هیچ نوع خدمات صحتی و غذای کامل که عامل رشد جسمی و صحتی شان می‌گردد، دسترسی ندارند و تعدادی هم با گدایی در سرکها و مزدوری، نان آور خانواده‌شان هستند. این نوع حالت در روی جاده‌ها و نواحی اطراف کابل و دیگر شهرها به وضاحت دیده می‌شود.

بدتر از همه، اینکه سالانه هزارها طفل افغان فدای اعمال غیر انسانی تروریست‌ها و یا بمباردمان هوایی عساکر خارجی و قوای هوایی کشور ما می‌شوند.

در حدود چهل فیصد اطفال دختر افغان پیش از رسیدن به سن هژده سالگی با جبر به شوهر داده می‌شوند و یا اینکه بنابر فقر، بیجا شدن از خانه‌های شان بنابر جنگ و ظلم اعمال دهشت افگنان و خشک‌سالی‌ها، والدین اطفال خاصاً دختران خود را حتی به سن کمتر از پنج سالگی، می‌فروشند. از نظر اینجانب، عامل اصلی خشونت علیه اطفال دختر و زنان افغان، فقر، رسوم اجتماعی نامعقول و ناآشنایی کامل به ارزشهای دینی، و بیسوادی که بیش از هفتاد فیصد جامعه افغانی را تشکیل می‌دهد، است. تعداد کثیر بیش از هفتاد فیصد بیسوادان را زنان و دختران افغان تشکیل می‌دهند. به گمان اغلب بیش از هشتاد فیصد مجموع نفوس زن و دختر در افغانستان بیسواد هستند.

خوب می‌دانیم که بیسوادی عامل اصلی فقر، جهل، امراض و ناآرامی‌های خطرناک اجتماعی محسوب می‌گردد. در طی مطالب ذیل اهمیت تعلیم و تربیه و کسب سواد را برای زنان و دختران افغان که وسیله نجات آنها از قید خشونت و مظالم روزمره و دوامدار خواهد شد، شرح می‌دهم:

#### **ضرورت تعمیم تعلیم و تربیه و سوادآموزی برای اطفال افغان خاصاً دختران و زنان:**

تعلیم و تربیه به حیث حق اولیة اطفال و وسیله اساسی و مؤثر برای انکشاف ارزشهای معنوی، استعدادهای فکری، علمی، هنری و دفاع از حقوق انسانی یکی از آن فرایضی است که هر طفل (دختر و پسر) و زن افغان برای بقاء، توسعه شخصیت، کار شرافت‌مندانه، مشارکت در انکشاف مملکت، بهبود کیفیت زندگی، اتخاذ تصمیم آگاهانه، درک مسؤلیت و حقوق فردی و اجتماعی، به آن اشد ضرورت دارند. ضرورت کسب چنین وسیله خاصاً برای زنان و دختران افغان نه تنها وظیفه شخصی محسوب می‌گردد، بلکه می‌باید در قالب وظایف اصلی ملی افغانستان امروز با نظر داشت مفاهیم و واقعیت‌های ذیل بررسی و در عمل اجرا قرار گیرد.

کسب تعلیم و تربیه و سواد برای زنان و مردانی که دارای عقیده و فرهنگ اسلامی هستند، ادای فرض و احکام دینی و مدنی است.

دسترسی به تعلیم و تربیه برای همه از آن جمله برای دختران و زنان افغان یکی از اساسی ترین حقوق انسان ها به شمار می رود. ماده بیست و ششم، بند یک اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین حکم می کند:

" هر کس حق استفاده از تعلیم و تربیه را دارد. تعلیم و تربیه، حد اقل در مورد تعلیمات ابتدایی و اساسی، باید رایگان باشد. تعلیمات ابتدایی اجباری است. تعلیمات فنی و حرفوی باید عمومیت یابد. هر کس باید، به صورت مساوی و بر حسب لیاقت خود، به تعلیمات عالی دسترسی داشته باشد."

تعلیم و تربیه متوازن و پیشرفته برای زنان و دختران در کشور ما در تساوی حقوق زن و مرد، همه حقوق، حق تعلیم و تربیه، حق دسترسی به کار، اشتراک در حیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و بالاخره توانایی دفاع از شخصیت زن، مستلزم کوشش و تلاش بسیار است. همه دانشمندان و مؤسسات بین المللی به این عقیده اند که دسترسی دختران به تعلیم و تربیه راه و وسیله مؤثری را در تساوی حقوق متذکره بین زن و مرد هموار می سازد. تعلیم و تربیه یکی از بهترین سرمایه گذاری ملی است که در تقلیل قابل ملاحظه بیسوادی، جهل، فقر، گرسنگی و امراض کمک شایسته می کند. در حالی که مردم و مملکت ما قرار دارند، شناخت سهم و توانایی تعلیم و تربیه برای زنان و دختران در جهت تقلیل مظاهر اجتماعی فوق امر ضروری و مهم است.

می دانیم که با سواد ساختن یک مرد، با سواد ساختن یک شخص است، اما با سواد ساختن یک زن و دختر او، در حقیقت با سواد ساختن یک خانواده است. در حقیقت دسترسی اطفال به تعلیم و تربیه، حاصل نمودن بخشی از حقوق شان است.

عدم دسترسی دختران افغان به تعلیم و تربیه در هر مقطع از زندگی آنان اثر می گذارد. همه متخصصین اقتصاد و امور اجتماعی، اهمیت تعلیم و تربیه عمومی را برای اطفال دختر و پسر در امر انکشاف عمومی (اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) به صورت جدی توصیه می نمایند. رابطه بسیار واضح بین زنان با تعلیم و پیشرفت در امور صحتی، اقتصادی و تنظیم حیات و امور خانوادگی و اجتماعی دیده می شود.

رپور جهانی تعلیم و تربیه یونسکو جنبه های مختلف این موضوع را مورد بررسی قرار داده و چنین نتیجه می گیرد " در غریب ترین مناطق جهان، دختران و زنان زنجیر و دایره ایرا تشکیل می دهند که در آن مادران بیسواد دختران بیسوادی را بزرگ می نمایند که حاصل آن ازدواج قبل از وقت و تشکیل زنجیر و حلقه دیگری از فقر، بیسوادی، کثرت اولاد و مرگ و میر است"

در وطن ما که چنین زنجیر و دایره ای به صورت واضح وجود دارد و اسباب فقر و صدها مشکل اجتماعی، اقتصادی و صحتی حاصل آن می باشند. می باید این زنجیر از طریق تعمیم تعلیم و تربیه و سواد حیاتی برای دختران و زنان افغان، بشکنند. این امر در تساوی حقوق زن و مرد، تعمیم حقوق اطفال و پایه های دیموکراسی نیز کمک می نماید.

اگر تخریبات و ضرر های عظیمی را که در دوره های تاریک فرهنگی و جنگ، متوجه تعلیم و تربیه در افغانستان گردیده اند، اندکی کنار بگذاریم، عدم دسترسی دختران و زنان در دهات و شهر های کوچک به تعلیم و تربیه رسمی که اسباب بیسوادی کامل زنان، فقر، گرسنگی، امراض و محرومیت ها را خلق نموده، تفاوت های بزرگی در تساوی

حقوق، سوبه فرهنگي و امکانات اشتراک زنان در انکشاف حیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مملکت ما هم با مقایسه مردان و هم با مقایسه زنان شهر های بزرگ، بار آورده است.

پس لازم است بدانیم که از ضرورت های اول و اصلی این است که دولت در طرح یک سیاست و ستراتیژی متوازن، پیشرفته، با در نظر داشت امکانات عملی آن، با همکاری تمامی وزارت ها و مؤسسات مسؤل در تقلیل تفاوت های دسترسی و امکانات تعلیم و تربیه اساسی برای هه اطفال افغان مخصوصاً دختران و زنان، که این تفاوت ها، در بین ولایات مختلف، شهر های بزرگ، قریه ها و دهات وجود دارند، اقدامات عاجل نماید.

## به امید تحقق همه حقوق اطفال و طعم.



هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

تجلیل از سی سالگی کنوانسیون حقوق طفل  
[zaher\\_aziz\\_roz\\_jahaani\\_tefel.pdf](#)